بیان واقع: سرگذشت نادر شاه (در ذکر داخل شدن هر دو پادشاه در دارالخلافه شاهجهان آباد و باعث (قتل) عام و خرابی اعزه کرام)

بندگان نادرشاه،نواب برهان الملک را وکیل مطلق دولتین فرموده،مقرر شد که‏ باتفاق طهماسپ خان جلائر با چهار هزار سوار پیشتر بدار الخلافه،رفته به تنظیم و تنسیق پردازند و در قلعهء پادشاهی مساکن و اماکن مقرره آماده سازند و نگزارند که حیف‏ و میلی بکارخانه‏جات پادشاهی و ساکنان شهر راه یابد و خلایق را به انواع مهربانی و استماله اطمینان بخشند-چنانچه بر دو امیر بشهر آمده،بامور مرجوعه حسب الواقع‏ پرداخته،مردم را مطمئن ساختند-

بهر حال روز جمع هشتم دیحجه سنه یک هزار و یک صد و پنجاه و یک هجری‏ بدار الخلافه تشریف آوردند و نواب برهان الملک تا غروب نیر اعظم در قلعه حاضر بود، لیکن از شدت وجع پا و صدمات کذا حالی نداشت و از غیرت خودداری می‏نمود و روز دیگر قریب بصبح داعی حق را لبیک گفته،از کشمکش تعلقات دنیوی نجات یافت‏1:

کار دنیا کسی تمام نکرد هرچه گیرید مختصر گیرید

شب سوم،جماعه از اجلاف و اوباش شهر آوازه درانداختند که خسرو هندوستان‏ کار نادرشاه را بخدعه تمام کرد و سرش از تن جدا نمود و باین بهانه هجوم عام شده و بر سپاه قزلباش ریختند و هر کرا توانستند،بقتل آوردند و از استماع خبر کشته شدن والی‏ خود بمرتبهء دست و پا گم کردند،که ادنی رزالهء هندوستان چندین قزلباش مسلح را از جان و جامه برهنه می‏ساخت-البته قریب بسه هزار کس از مردم ایران طعمهء تیغ آبدار آن شوره‏بختان واقعه طلب شده باشند-اواسط شب اهل کار2نادرشاه ترسان و لرزان‏ این قضیه را بخدمت نادرشاه معروض داشتند-مقبول طبع سلطان نشده بغصه جواب داد که مردم اردوبازاری ما از شرارت نفس خود این قسم تهمت جرائم بهندیان می‏کنند که‏ (2). B.M.,fol.22,P.U.H.,fol.25 b,and P.P.L.fpl.11 b.ôùÖ.

(1). depression or chagrin,after Nadir had spoken roughly to him. the effects of poison which he is said to have taken in a fit of (Nadir Shah,p.145).it seems more probable that he died from his wounds or committed suicide.On the whole,says Lockhart Some differences of opinion exist as to whether he died from

(2). P.U.H.,fol.26 b,P.U.A.,p.37 ôéáâìñøé.

تا جمعی را بکشتن داده،اموال ایشان را غارت نمایند-بعد از آنکه پی در پی این خبر وحشت اثر مشوش و موءلم خاطرش شد،شخصی را از یساولان معتمد بواسطهء تفتیش و تجسس‏ و تحقیق آن مرخص فرمود-آن بیچاره بمجرد خروج از دروازهء قلعه از دست مفسدان‏ فتنه‏جو داخل شهرستان عدم گردید و یساول‏1دیگر نیز بهمین وضع رخت هستی‏ بربست و علنی هذالقیاس

آنرا که خبر شد خبرش باز نیامد2

بعد از آنکه از قرائن صدق این مقدمه پر بیقین دانست،حکم کرد که هزار کس‏ جزائرچی بیرون رفته،این جماعهء فتنه‏جو را پراکنده و منتشر نمایند-

چنانچه بموجب فرموده بعمل آوردند،لیکن کما ینبغی اطفای نائرهء فساد نشد و ثلث‏ آخر شب فی الجمله تسکین یافته بود-اول صبح باز همان آش در کاسه شد-ناچار دو سه ساعت از روز برآمده،نادرشاه خود سوار شده،از قلعهء پادشاهی بیرون خرامیده، در مدرسهء نواب روشن الدوله مرحوم که متصل چبوترهء کوتوالی‏ست،اقامت گزیده‏3 جزائرچیان را با سه هزار کس دیگر امر کرد که با توپچی شاهی یار علی سلطان و میرآتش‏ هندوستان سعد الدین خان رفته،هر کرا در لباس هندی بیابند،جامهء حیات مستعار را از بدن او کشیده در تاخت و تاراج و قتل و غارت شهر آنچه لازمهء بی‏رحمی و سخت‏دلی‏ست،ما فوق آن بعمل آرند:

فتادند در شهر خیل مغل‏ برافتاد بنیاد هندی بکل‏ بقتل و بغارت گشادند دست‏ سرا4و سران جمله کردند پست

سانحهء قتل عام:

چنانچه تا چهار ساعت از روز مانده،آتش قتل و غارت زبانه می‏زد و جماعه اوباش‏ هندی که مصدر این فتنه و غوغا شده بودند،غائب شدند و شرفای بیچاره خانه‏دار عیال‏بار که شرم ناموس دامنگیرشان گردیده بود،طعمه تیغ بیدریغ قزلباش شدند،چنانچه از فولاد خان کوتوال شهر بتحقیق پیوست که بیست‏1هزار کس بقتل آمده باشد و اقسام‏ (1). A servant of parade carrying a silver and gold staff

(2). .ŞõõéáÄ●þÄ ÑÄñ½ áŞ ôâþ»Şó ôþé The first hemistich of the verse in the Gulistan-i-Saádi,p.73,is

(3). p.148). Nadir,but Killed an officer beside him.(Lockhart,Nadir Shah, fired a shot at him from a balcony or window.The bullet missed It is said that when he was approaching this mosque,some one

(4). P.U.H.,fol.27 ôéáñ úéáñ.

(1). total number of victims.For example,according to M?rza There is much Jivergence between the authorities regarding the

امتعه و اقمشه و انواع جواهر و نقود بیحصر و حساب بدست سپاه ایران افتاد-هرچند این حادثه در چند محله که متصل قلعهء پادشاهی بود،واقع شده،لیکن چون ساکنان‏ محلات دوردست وسط شهر را ماءمن پنداشته،نقد و جنس خود بآنجا فرستاده بودند که از غارت و تاراج محفوظ ماند،بحسب نصیب اتفاق هرج و مرج در همین اماکن که‏ خلق‏2آن را محل امن انگاشته بودند،افتاد و اول محله که بغیر جنگ بچنگ اعداء گرفتار شده،مساکن و دکاکین جواهرفروشان و صرافان بود-ازین رهگذر اموال خارج‏ از قیاس بدست قزلباشان آمد که در داشتن و برداشتن آن متحیر و سراسیمه شدند:

بغارت ببردند چیزی که بود برآورد از خشک و تر جمله دود

و از بسکه خانه‏ها را آتش کشیدند،هزارها از زنده و مرده،هندو3و مسلمان، درهم سوخته شدند-معاذ الله.اگر احیانا"تا شام بهمان نحو میگذشت،یک کس از برای نمونه از مردم آنجا باقی نمی‏ماند-اگرچه غرض والی ایران اصلا نبود که چنین‏ قتلی بعمل آید،لیکن چون این جماعه بادی فساد شدند،بغیر تنبیه اطفای نائرهء فتنه‏ صورت امکان نداشت،و در چنین حالات تفریق در میان مفسد و بی‏گناه متعذر،چه که‏ ممتنع است:

چو1از قومی یکی بیدانشی کرد نه که را منزلت ماند نه مه را

اگر متفنیان شهر مرتکب این حرکت لغو نمی‏شدند،تاخت و تاراج بعمل نمی‏آمد و این همه رعب نادرشاه بر مردم هند غالب نمی‏شد،چنانچه پیش ازین قتل عام اهل شهر خصوصا"مردم بازار لشکریان قزلباش را که اکثری صحرائی و دهقانی بودند،تمسخر2 و استهزا می‏نمودند و نیز این قدر نقود و اجناس و جواهرآلات بدست آنها نمی‏افتاد، زیرا که در متخیلهء ایشان نبود که این قدر نقد و جنس در عالم می‏باشد-بعد از آنکه‏ ق people were put to death. as quoted by Manshur-al-Wasiyat,p.147,nearly eighty thousand Mir Muhammad b.Mir Abdul Jalil Bilgrami(absirat-al-Nazirin-, sword.See also Rauz?ot-al-Safa,viii,p.551.But according to Muhammad Mahdi(T.N.p.359),30,000 people were put to the

(2). B.M.fol.23 b and P.U.H.,fol.27 b read éþð●.

(3). B.M.fol.24,P.U.H.,fol.28 and P.U.A.,p.39 áèâì.

(1). Gulistan-i-Saádi,p.111.

(2). B.M.fol.24.P.U.H.,fol.28 b and P.U.A.,p.40 á●ñóÂ ù Şõ●Ğþá

قمه‏کش‏ها و لوش رسم کلانتریها آن بود که جلوی کلانتری در خیابان را آب و جارو نماید و با این تنبیه هر قمه‏کش و شروری بسبب آنکه در برابر دید اهل محل،بچه و بزرگ و زن‏ و مرد و غیر اهل محل بمعنای تمام کنف میشد از شرارت توبه نصوح مینمود و امروز هم‏ نوع جنایات و نحوه مجازاتهای مجرمان را همه میدانیم و حاجت به توضیح نیست.

حسن.علی.برهان

1مرحوم حکیم ریاضی-معلم پسر میرزا محمد قوام الدوله(میرزا ابراهیم-بعدا" معتمد السلطنه-پدر مرحوم احمد قوام)پس از رسوائی قوام الدوله-اشتغال خود را در خانه قوام الدوله با گذاردن کاغذی حاکی از این دو بیتی(آن قوام الدوله کاندر جنگ مرو داد بر باد افسر و دیهیم را خانه‏اش کعبه براهیمش پسر او به کعبه...ابراهیم را.) ترک گفت.

2انگلیسیها پس از تملیک هندوستان همیشه بفرض موهوم یا مبنی بر حساب از اینکه‏ ارتش روس از راه ایران به هندوستان میرسد خیلی متوحش بودند و از همان زمان ایادی‏ مسلمان افغانی یا ایرانی یا از سادات پاکستانی را با مبالغی سرمایه بعنوان خرید فرش ترکمانی‏ همیشه در مرو و ماوراء النهر مقیم مینمودند که هرگاه روسها قصد عملی کردند-وسیله‏ ترکمانها اخلال در کارها نمایند و نیز با صرف پول و تبلیغات ماوراء النهر را که بستگی‏ بایران داشت و در آنزمان هنوز روسها به تصرف و تملیک آن اقدامی نکرده بودند به‏ تملک خود بیاورند

بقیه از صفحه 63

از خانه‏های مردم لکهها برآمد،چشم حرص‏شان تیز شده،بهمان منوال از دیگران هم‏ مطالبه نمودند و باعث خرابی اهل شهر گردید و محله‏های که با این بلا مبتلا شدند، محدوداند باین‏3حدود:غربا"از دروازهء قلعهء پادشاهی تا عیدگاه کهنه و بسوی‏ شمال تا هندوی‏4چوب و بجانب جنوب تا بیرون دهلی دروازه و از بهار گنج که اصل‏ فساد از آنجا برپا شده بود،مردم بسیاری که گمان فتنه‏انگیزی نسبت به آنها داشتند، آورده‏5در کنار دریای جون‏6گردن زدند و چون اکثری اعزه روشناس نسقچیان‏1 نادرشاهی را برای محافظت خانه‏های خود طلبیده بودند،بآن وسیله بعضی غربا که همسایهء ایشان بودند،از آفت قتل و غارت محفوظ ماندند-مختصر اینکه یک و نیم پهر از روز باقی مانده،برطبق استدعای محمدشاه از خون بی‏گناهان درگذشته،حکم کرد که امان‏ بدهند2سپاه قزلباش نظر بر کمال ضبط و نسق و خوف والی خود بمحض استماع ندای‏ امان دست از قتل و غارت و تاراج کشیده و این امر از عجائب و غرائب عالم است که سپاه‏ خونخواه جباری که بر مردم مال‏دار عیال بار مسلط شده باشند،بیک ندای امتناع ممتنع‏ کردند و دست از قتل و غارت بازکشند.